

Comparing the Views of the Bible and the Qur'an on the Repentance of Adam

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Seyedeh Safoura Razaghpour Rezaei¹

Jamshid Jalali^{2*}

Mozhgan Sarshar³

How to cite this article

Seyedeh Safoura Razaghpour Rezaei, Jamshid Jalali, Mozhgan Sarshar, Comparing the Views of the Bible and the Qur'an on the Repentance of Adam, *Journal of Quran and Medicine*. 2020;5(3):75-81.

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Imam Khomeini Memorial Unit, Islamic Azad University, Shahreri, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: jalalishey@gmail.com

Article History

Received: 2020/08/25

Accepted: 2020/10/28

ePublished: 2020/12/20

ABSTRACT

Purpose: The issue of Adam's repentance has been raised as a common theme among the divine religions and divine books, including the Qur'an and the Bible, with various statements. AS) and humans. Therefore, in the Holy Quran and the Bible (the Bible), the issue of the repentance of Prophet Adam (PBUH) has some similarities and differences, some of which have been mentioned.

Materials and Methods: The present review study was conducted by searching based on the keywords presented in the Quran and Bible (Bible) and some scientific studies.

Findings: According to the studied sources, regarding the discussion of repentance in the Holy Quran and the Bible, he and his wife expressed their remorse before God in the presence of God, and God accepted their repentance through the words He had taught them. They settled to live.

Conclusion: In general, from the perspective of the Holy Quran and the Bible on the issues of repentance of Adam (AS), there are opinions about their disobedience that are common to both books, but on the issue of repentance and the effect of repentance, the views of the Holy Quran are different from the Bible.

Keywords: Adam, repentance, Holy Quran, Bible, Bible

مقایسه دیدگاه انجیل و قرآن پیرامون توبه حضرت

آدم (ع)

سیده صفورا رزاق پور رضایی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جمشید جلالی^{۲*}

دانشیار، گروه ادیان و عرفان، واحد یادگاری امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران (نویسنده مسئول).

مژگان سرشار^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: مسئله توبه حضرت آدم (ع) به عنوان یک موضوع مشترک در بین ادیان الهی و کتب الهی از جمله قرآن و کتاب مقدس با بیانات مختلف مطرح گردیده است. از زمان خلقت حضرت آدم (ع) توبه و بازگشت از گناه پیشه آدم (ع) و انسان هاست. لذا در قرآن کریم و انجیل (کتاب مقدس) مسئله توبه حضرت آدم (ع) دارای برخی شباهت ها و تفاوت های است که به برخی از آنها اشاره شده است. **مواد و روش ها:** مطالعه مروری حاضر با جستجو بر اساس کلید واژه های ارائه شده در کتاب قرآن و انجیل (کتاب مقدس) و برخی مطالعات علمی اجراشد.

یافته ها: بر اساس منابع مورد بررسی، پیرامون بحث توبه در کتاب قرآن کریم و انجیل، وی و همسرش در پیشگاه خداوند نسبت به خطایی خود اظهار پشیمانی کرده و خداوند به وسیله کلماتی که به آنان آموخته بود توبه آنان را بپذیرفت و در زمین به آنان سکونت داد تا زندگی کنند.

نتیجه گیری: در مجموع از دیدگاه قرآن کریم و انجیل پیرامون مسائل توبه حضرت آدم (ع) نظراتی در باب نافرمانی آنان مطرح شده است که در هر دو کتاب مشترک هستند اما در مسئله توبه و اثر توبه، نظرات قرآن کریم با انجیل متفاوت است.

واژه های کلیدی: آدم (ع)، توبه، قرآن کریم، انجیل، کتاب مقدس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷

*نویسنده مسئول: jalalishey@gmail.com

مقدمه

نخستین انسانی که خداوند خلق کرد آدم (ع) نام گرفت خداوند این مخلوق را از خاک خلق کرد و نام او را در قرآن کریم ۲۵ بار یادآور شد. در کتاب انجیل لوقا در بیان نسب نامه حضرت آدم (ع) او را (ابن الله) خوانده اند. در این کتاب گفته شده که با نافرمانی و گناه یک انسان (آدم) گناه و مرگ به جهان راه یافت، به این معنا که عامل اصلی ورود گناه و معصیت به این جهان را حضرت آدم (ع) می دانند. و از این رو مسأله گناه اولیه، یعنی نافرمانی حضرت آدم (ع) در آغاز خلقت مطرح گردید. با توجه به آیات قرآن کریم، اسلام اعتقادی به گناه نخستین آدم (ع) ندارد، ولی درباره تأثیر گناه نسل انسان بر شناخت او از خویشتن و از خداوند تأکید میکند، و اعتقاد دارند که خداوند اثر خطای هیچ انسانی را بر گردن انسان دیگر نمی اندازد و هیچ بی گناهی بی دلیل مجازات نخواهد شد. مقاله حاضر می کوشد تا نظراتی که در باب توبه حضرت آدم (ع) در کتاب قرآن کریم و انجیل مطرح گردیده است را بررسی کند.

پیشینه تحقیق

خلیلی، (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی جلوه های مختلف هبوط حضرت آدم (ع) از منظر ادیان و عرفان، که در نشریه ی مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه منتشر شده است. به مسئله هبوط حضرت آدم (ع) و دلیل هبوط ایشان به زمین را مطرح کرده و در نتیجه اشاره ای به توبه حضرت آدم (ع) و حوا داشته و مطالب را حول محور نظرات ادیان اسلام، مسیحیت و یهود و دیدگاه عرفای اسلام بررسی کرده اند.

مریم سلیمانی میمند، (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی سنت توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت. که در نشریه فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی منتشر گردیده است. به مبحث توبه و اعتراف به گناه از نگاه اسلام و مسیحیت را مورد بحث و بررسی قرار داده.

ترابی، (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان تأویل عصیان و توبه آدم (ع) در اندیشه عرفان های اسلامی. که این پژوهش در نشریه عرفان اسلامی منتشر گردیده است. دیدگاه عارفان و شاعران را در باره توبه حضرت آدم (ع) مطرح کرده و تعبیر آنان را با تعبیر قرآن مقایسه کرده اند.

تعریف توبه

توبه اصطلاحی است دینی به معنای بازگشت به سوی خدا، توبه از ریشه (ت، و، ب) که در لغت به معنای بازگشت از معصیت است (۱). در تفکرات دینی فردی که مرتکب معصیت و گناه می شود، از راه راست دور شده و تنها با توبه می تواند گام بر راه درست بردارد. در قرآن کریم اصطلاحاً توبه به دو صورت بیان شده است:

۱- توبه و بازگشت بنده به سوی خداوند، که در سوره تحریم آیه ۸ می فرمایند: «یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحاً». که منظور از توبه انسان، همان بازگشت و ندامت از اعمال خلاف گذشته است.

رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ .
وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ . فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ
بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفَقَا يَخْصَفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ . وَنَادَاهُمَا
رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ
مُبِينٌ . قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخَاسِرِينَ . قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ
وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ

و [گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید، و
از هر جا [و هر نوع میوه ای] که خواستید بخورید، و به این درخت
نزدیک مشوید که از ستمکاران [بر خود] خواهید شد. پس شیطان،
آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از شرمگاه بدنشان بر آنان پوشیده بود
نمایان کند، [وسوسه اش این بود که به هر دو] گفت: پروردگارتان
شما را از این درخت نهی نکرده مگر از این جهت که مبادا دو
فرشته گردید، یا از جاودانان شوید. و برای هر دو سوگند سخت و
استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهم و قصد فریب
شما را ندارم. پس آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود
آورد و به خوردن درخت ممنوعه نزدیک کرد، هنگامی که از آن
درخت چشیدند، شرمگاه بدنشان بر دو نفرشان نمایان شد و هر دو
دست به کار چسباندن برگ [درختان] بهشت به خود شدند؛ و
پروردگارشان بر آن دو بانگ زد: آیا من شما را از آن درخت نهی
نکردم، و به شما نگفتم: بی تردید شیطان برای شما دشمنی آشکار
است؟ گفتند: پروردگارا! ما بر خود ستم ورزیدیم، و اگر ما را
نیامیزی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیان کاران خواهیم بود. خدا
فرمود: از این جایگاه و مقام فرود آید، در حالی که دشمن
یکدیگرید، و برای شما در زمین تا مدتی قرارگاه و مایه برخورداری
است.

با توجه به آیات می توان فهمید که بنا بر اراده خداوند انسان خلیفه
ی او بر روی زمین بود. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» خداوند
حقیقی را به آدم آموخت و بعد دستور سجده بر او را داد با توجه
به این آیه و آیات دیگر در کتاب قرآن روشن است که سرنوشت
حضرت آدم (ع) از همان ابتدا برای زندگی در زمین بوده است و آدم
و حوا بعد از توبه و قبول توبه آنان از جانب پروردگار باز هم به
جایگاه قبل خود باز نگشتند. این نکته وجود دارد که این ماجرا
یک آزمایش و امتحان الهی برای آدم و حوا بوده است با توجه به
چند نکته این مسئله را اثبات می کنیم (۱): خداوند خلقت آدم و
حوا را به پایان رساند و اسامی را به آدم آموخت و به بهشت فرستاد
، زمانی که آدم و حوا در بهشت به سر می بردند، پی به عورت های
خود و لوازم زندگانی خود نبرده بودند، واضح است که پنهان بودن
عورت و لوازم زندگانی آنان امری دائم نبوده و باید پرده از این پنهان
برداشته میشد. و این امری لازم و ضروری بوده که با خوردن از
درخت ممنوعه این امر رخ داد و انجام این فعل سرنوشت مسلم آنان
بود. (۲) خداوند بعد از توبه آدم و حوا آنان را بخشید ولی به بهشت
برنگردانید بلکه به دنیا فرستاد. اگر زندگی بر روی زمین امری
لازم و حتمی نبود چرا مسئله هبوط به میان آمد و آنان به زمین
آمدند؟ با توجه به آیه ۳۸ سوره بقره «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ فَكَلَا

۲- توبه و بازگشتی که مربوط به خداوند متعال است. که در سوره
بقره آیه ۱۸۷ می فرماید: «عَلَّمَ اللَّهُ انْكُمْ كَتَمْتَ تَخْتَانُونَ انْفُسَكُمْ فَتَابَ
عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ». که مقصود از توبه خداوند پذیرفتن توبه انسان
است که از گذشته سیاه و تاریک خویش، نادم و پشیمان شده و از
انحراف و جهل بازگشته است. با توجه به ۲ آیه ذکر شده می توان
فهمید که هر جا سخن از توبه انسان به میان باشد مقصود، ندامت و
پشیمانی از گناهان گذشته انسان است و هر کجا سخن از توبه
خداوند به میان آمده باشد، مقصود پذیرفتن توبه انسان از جانب
خداوند و بازگشت به رحمت و مغفرت اوست.

در اندیشه تمام ادیان الهی حضرت آدم (ع) بر اثر خوردن میوه
ممنوعه عصیان کار و روسیاه شده و از بهشت رانده شده
است. (۲) بر اساس کتاب مقدس، خداوند بعد از خلق حضرت آدم
(ع) آن را در باغ عدن قرار داد تا در آن مکان زندگی کرده و از آن
نگهداری کند (۲) آیه ۳۰ سوره بقره در این باره می فرماید: «وَإِذْ
قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» به یاد آور
هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین،
جانشینی قرار خواهم داد.» در این دو تعبیر علاوه بر اختلافاتی که
در آنها مشاهده می شود یک حقیقت مشترک را باز گو می کنند.
بر اساس نقل کتاب مقدس، خداوند بعد از آفرینش آدم (ع) او را در
باغی زمینی در عدن قرار داد؛ (۲) در آیه ۳۵ سوره بقره در مورد محل
سکونت حضرت آدم و حوا (ع) قبل از هبوط به زمین می فرماید: «وَ
قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ» و گفتیم: ای آدم تو و
همسرت در بهشت ساکن شوید؛ (۳) و اشاره ای به مکان نزول آن دو
بعد خروج از بهشت نکرده است. طبق بیان کتاب مقدس خداوند
بعد از قرار دادن آدم (ع) در باغ عدن ۲ درخت حیات و درخت
شناخت نیک و بد در باغ قرار داد و از سرزمین عدن روی جاری
کرد تا آن دو درخت را آبیاری کند. سپس حضرت آدم (ع) را از
خوردن میوه درخت شناخت نیک و بد منع کرد. و فرمود: اگر از
میوه این درخت بخورید از دنیا خواهید رفت. (۴) اما در قرآن کریم
اشاره ای به نام درخت ممنوعه نشده است و سخنی از مرگ آدم
(ع) در نتیجه خوردن میوه به میان نیامده است بلکه بیان شده است
که در صورت خوردن از میوه ممنوعه آدم (ع) از ظالمین خواهد
شد: «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ نزدیک این
درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد. در کتاب مقدس به این
مسئله اشاره شده است که عامل فریب حضرت آدم ماری بود که به
واسطه آن مار حوا فریب خورد و پس از آن به وسیله حوا آدم (ع)
را نیز فریب داد؛ (۵) اما طبق آیه ۳۶ سوره بقره، ابلیس بود که
آدم (ع) و حوا را فریب داد و همراه کرد: «فَازَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا
فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ...» پس ابلیس موجب لغزش آنها از بهشت
شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد.

مجازات گناه

با توجه به آیات ۱۹-۲۴ سوره مبارک اعراف که به ماجرای آدم
و حوا اشاره شده است: «وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا
مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ . فَوَسَّوَسَ
لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا

یاتینکم منی هدی ...» میتوان فهمید که عامل اصلی خوردن از میوه درخت ممنونه ظهور عورت ها و آمدن آنان به زمین بوده است. باتوجه به مباحث انجیل بنابر تعالیم آگوستین طبیعت انسان در ابتدا فطرتی خداگونه داشته است؛ انسان که به صورت تو (خدا) و با شباهت تو پرداخته شده است، اشرف تمامی مخلوقات بی خرد می شود؛ به همان دلیل که بر صورت تو و انگاره تو شرف عقل و خرد را یافته است. (۶) انسان را آفریدیم نه آنکه طبق نوع خودش، بلکه به صورت خودمان و شبیه خودمان. (۷) هیچ کس در حضور تو عاری از معصیت نیست، حتی نوزادی که بیش از یک روز از عمر او بر روی زمین سپری نشده است. (۸) با بقایای این تنی که منکوب گناه است. (۹). این من نبودم که رنج را بر خود هموار می کردم بلکه رنج من به دست چیزی بود که در من لانه داشت و آن گناه بود، به کفاره گناهی که به اختیار صورت پذیرفته بود. (۱۰).

آگوستین معتقد است آدم با خوردن از درخت ممنونه گناه کرد، او معتقد بود که آفرینش انسان همانند دیگر موجودات نبود و خداوند انسان را بر تمام موجودات برتری داده بود، در صورت گناه نکردن آدم او زندگی جاودانه می یافت و مرگ او به مثابه مجازات نافرمانی وی از دستورات خداوند بوده است. در کتاب مقدس اشاره‌ای به پشیمان شدن آدم و حوا و توبه‌ی آنها نشده است؛ و تنها به مسئله مجازات آن دو به وسیله خروج از بهشت اشاره شده است، در کتاب مقدس بیان شده است که خدا برای رهایی آدم (ع) از تنهایی، ابتدا همه‌ی حیوانات و پرندگانی که از خاک سرشته بودند را نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نام‌های بر آنها می‌گذارد. آدم نیز بر آن حیوانات نام‌هایی قرار داد؛ (۱۱) اما بر طبق آیه ۳۷ سوره بقره حضرت آدم (ع) از خداوند متعال کلماتی را آموخت و توبه نمود: «فَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ سپس آدم از پروردگار کلماتی دریافت داشت؛ (و با گفتن آن کلمات توبه کرد). این آیه نشانگر آن است که خداوند تمام اسماء را به آدم آموخت و نیز آدم از خداوند، کلماتی را آموخت تا بتواند با استفاده از آنها توبه نماید و سپس خدا نیز توبه وی را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. به نظر آگوستین بعد از خوردن میوه ممنونه آدم و حوا بعد از نافرمانی از دستورات خداوند از توبه و پذیرش گناه خود خودداری کردند و هر کدام از آنها گناه را به گردن دیگری انداختند (۱۲). اما با توجه به آیه ۱۹ سوره اعراف حضرت آدم (ع) و حوا بعد از نافرمانی در کمال ادب و احترام و پشیمانی از اعمالشان از خداوند هیچ گونه درخواستی جز بخشش خود نداشتند و تنها از خداوند درخواست پذیرش توبه را داشتند زیرا اگر مورد مغفرت خداوند قرار نمی‌گرفتند به طور دائم از زیانکاران خواهند شد. با توجه به آیات قرآن در آیه ۲۳ سوره اعراف: «قَالُوا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» در تفسیر این آیه با توجه به کلمه «ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا» نهایت تضرع و التماس آن دو را می‌رساند چرا که به مخالفت با امر ارشادی اقرار نمودند و دانستند که این مخالفت آنها ظلم به نفس است. در آیه ۳۵ از سوره بقره: «وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ» نیز نتیجه نزدیکی به درخت و خوردن از میوه ممنوعه

را می‌توان ظلم دانست. زیرا کلمه «الظالمین» از ریشه ظلم است نه ظلمت که به معنای ستم گران است. در تفسیر این آیه علامه طباطبایی چنین می‌گوید که: مراد از ظلم، واقع شدن آنها در زحمات زندگی زمینی است که خود آن‌ها به آن گرفتار شدند (۱۳). بنابراین آن‌ها به خودشان ظلم کردند نه اینکه ظلم به معنای معصیت مصطلح باشد و ظلمی را در حق خداوند انجام داده باشند. البته خداوند در آیه ۱۱۷ سوره طه چنین میفرماید که: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» خداوند در این آیه به جای کلمه «فتكونا من الظالمین» عبارت «فتشقی» را آورده است یعنی خود را به زحمت و تعب خواهی انداخت (۱۴). از مجموع این آیات می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از ظالمین، ظلم به نفس خودشان بوده است زیرا خود را در مشقت و سختی‌های دنیا گرفتار کردند. و خداوند در نتیجه ظلمی که خودشان در حق خودشان انجام دادند، آنان را از راحتی و آسایش بهشت به مشقت و سختی‌های زمین انتقال داد.

سرنوشت بشریت

در کتاب مقدس یک از اصول اعتقادی مسیحیان مسئله گناه نخستین است. یکی از نظرهای مهم قدیس آگوستین، بزرگترین پدر راست دینی مسیحی در مغرب زمین، اعتقاد به «گناه اولیه» است. و که بر اساس این آموزه‌ها آنان اعتقاد دارند طبیعت بشری به علت گناه آدم گناه آلود شده. البته هیچ اصطلاحی تحت عنوان گناه نخستین در کتاب مقدس یافت نمی‌شود اما اصطلاحاتی همچون، به ارث رسیدن گناه ما از والدین مان را می‌رساند. (۱۵) بنابر نظراتی که به عنوان گناه نخستین مطرح گردیده است، آدم به همکاری حوا با توجه به غرور که از آزادی اراده خود داشتند مرتکب گناه شدند و از دستورات پروردگارشان نافرمانی کردند. این نافرمانی کاملاً آگاهانه و از سر اختیار صورت پذیرفته و هیچ اجباری در این ماجرا دخیل نبوده (۱۶). از این رو مجازاتی که برای گناه آدم در نظر گرفته شد مرگ و فناپذیری او بود. از نظر آگوستین آدمو حوا از کار خودتوبه نکردند و خداوند نیز مرگ و فناپذیری را در سرنوشت او قرار داد. (۱۷) این مسئله موجب شد که گناه نخستین بر سرنوشت تمام انسان‌های بشریت تاثیر بگذارد و انسان را که در ابتدا موجودی هم فساد ناپذیر و هم فناپذیر بود تبدیل به موجودی فساد پذیر و فناپذیر کند (۱۸). چون تمام انسان‌های زمین از نسل آدم (ع) هستند پس شریک در گناه او هستند و این خطا و اشتباه گریبان گیر تمام انسان‌ها شد و باتوبه کردن آدم نیز این مسئله پایان نیافت. پس گناه عضوی جداناپذیر از وجود انسان شد (۱۹). به در کتاب قرآن و توجه به آیات کتاب مسئله انتقال گناه و گناه پذیری تمام بشریت مورد قبول نیست و حتی عقل نیز چنین نظریه‌ای را رد میکند. با توجه به آیه ۳۸ و ۳۹ سوره نجم که می‌فرماید: «أَلَا تَرَوْا زُرَّةً وَزُرَّاءَ أُخْرَى» که هیچ کس بار گناه دیگری را (در قیامت) به دوش نخواهد گرفت، «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؛ با توجه به آیات ذکر شده و شان نزول آیات، خداوند توسط کارهای نیک اعمال بد را محو می‌کند و با توبه و استغفار

دارد که دلیل بخشش گناه انسان ها به دلیل رخ دادن گناه نخستین از جانب حضرت آدم (ع)، مرگ عیسی بر صلیب و رستاخیز او، تنها عامل نجات انسان است. در مباحث گذشته به این نکته اشاره کردیم که در زمان مسیح این اعتقاد وجود داشت که گناه آدم و حوا در بهشت بر تمام فرزندان و نسل های بعدی بشر اثر گذاشته است و تمام انسان های رانده شده گناهکار متولد می شوند. در این بین حضرت عیسی مسیح اعلام کرد که برای نجات افراد بشر از گناه آمده است. برای بخشایش و نجات انسان از گناه و مرگ، پدر که در آسمان است، به دلیل مهر پدری به تمام بشر، با قربانی کردن پسر خود و مصلوب شدن او، بشریت را از گناه نجات داده است. این امر به نام «باز خرید گناه بشر با خون عیسی» معروف است: «خدا برای نجات شما قیمتی پرداخته تا شما را از قید روش های پوچ و بی فایده زندگی که از اجداد خود به ارث برده بودید، آزاد کند. قیمتی که خدا برای آزادی از این اسارت پرداخت، به طوری که می دانید، طلا و نقره نبود، بلکه خون گران قیمت مسیح بود که همچون بره ای بی گناه و بی عیب و لکه قربانی شد.» (۲۶).

هبوط حضرت آدم (ع)

در آیات ۱۹ تا ۲۴ سوره اعراف به ماجرای هبوط آدم (ع) و حوا نیز اشاره شده است. در این آیات علاوه بر ماجرای خوردن میوه ممنوعه و ظهور عورت ها در نهایت به مسئله هبوط آدم و حوا از بهشت بر روی زمین اشاره گردیده است. مقصود از هبوط خروج آدم و حوا از بهشت و سکونت آنان در زمین است. برخی نیز معنای هبوط را تنزیل جایگاه و مرتبه آدم و حوا برشمردند و معنای آن را این چنین بیان کردند: «پایین قرار گرفتن به صورت اجبار». (۲۷) قرآن کریم در آیه ۱۲۳ سوره طه، هبوط آدم (ع) و حوا را چنین نقل می کند: «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا» [خدا] گفت: هر دو با هم از بهشت فرود آید. در این آیه اگر معنای هبوط را پایین آمدن در نظر بگیریم و اگر در نظر بگیریم که مکانی که آن را بهشت نامیده اند و قبل از هبوط آدم و حوا در آن سکونت داشته اند در آسمان ها بوده پس در اینجا مقصود از پایین آمدن انتقال آنان به زمین است. و اگر هم مقصود از بهشتی که در آن سکونت داشته اند در زمین بوده، در اینجا هبوط به معنای تنزل رتبه و مقام آنان است که از رتبه بالاتر به رتبه ی پایین تری تنزل یافته اند (۲۸). در کتاب مقدس چنین بیان شده است که هبوط آدم (ع) و حوا به زمین نوعی کیفر گناه و مجازات گناه برای آن دو بر اثر نافرمانی از پروردگار بوده است. اما با توجه به تفاسیر آیات قرآنی هیچکدام از اعمال خداوند بدون حکمت نیست و اخراج آدم (ع) و حوا به زمین به جهت عقوبت گناه نبوده. بر اساس ادله موجوده در باب انبیاء الهی اعمالی که موجب عذاب و عقاب می شود را انجام نمی دهند. از آنجا که حضرت آدم (ع) به عنوان نخستین انسان و نخستین پیامبر معرفی شده است که خداوند او را از طین (گل) خلق کرد. و خداوند از روح خود در آدم دمید (۲۹). و سایر انسان ها از نسل او هستند سوره نساء آیه ۱ نکته حائز اهمیت در این مبحث این است که عصمت پیامبران و پاکی آنان در تمام ادیان امری اثبات شده و از اصول مشترک است پس حضرت آدم (ع) نیز که جزء انبیاء الهی محسوب

گناهکاران آنان را می بخشد اما هیچ گاه بار گناه کسی را به ناحق بر دوش دیگری قرار نمی دهد (۳۰). از نظر عقل هم ماخذ بی گناه به جرم گناه دیگران قبیح است و عمل قبیح از خداوند سر نخواهد زد. پس نمی توان این ادعا را که گناه آدم به اولاد و نسل های بعدی منتقل شد را بپذیریم زیرا در صورت پذیرش چنین ادعای دیگر جایی برای رحمت و مغفرت خداوند باقی نخواهیم گذاشت. خداوند در داستان هایی که در باره عفو و مغفرت در قرآن نام برده است به این مسئله اشاره کرده که گناه آدم نتیجه اعمال شیطان است و گناه انسان را به شیطان نسبت میدهد. این مسئله بیانگر این نکته است که گناه انسان ها خواست خداوند نیست و خداوند هیچ گاه انسانی را به گناه وانی ندارد، زیرا آنچه به شیطان نسبت داده شده از خداوند میرا و منزه است (۳۱). به اعتقاد الهی دانان مسیحی، از آنجا که نجات، کار مهم و روحانی خداوند در مورد انسان است، خداوند نجات بشر را اراده کرده و آن را در تاریخ محقق ساخته است و در این مورد دارای نقشه، برنامه و روشی مشخص است. هنری تیسن در کتاب «الهیات مسیحی» نقشه نجات را این گونه بیان می کند: «۱. خداوند انسان را خلق فرمود؛ ۲. اجازه داد تا سقوط کند؛ ۳. نجات مسیح را که برای همه کافی بود، فراهم ساخت؛ ۴. عده ای را برای نجات برگزید؛ ۵. روح القدس را فرستاد تا کار نجات برگزیدگان را اجرا نماید.» (۳۲)

توبه حضرت آدم

قرآن کریم در رابطه با توبه حضرت آدم در آیه ۳۷ سوره بقره چنین می فرماید که: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». سپس آدم از پروردگار کلماتی را دریافت نمود؛ و [خدا] بر او ببخشود؛ آری، او [ست که] توبه پذیر مهربان است. مضمون آیه اشاره به این نکته دارد که خداوند نحوه توبه کردن را به آدم (ع) آموزش داد (۳۳). در آیه فوق منظور از کلمات یعنی سخنان یا الفاظی که خداوند برای توبه به آدم و حوا تعلیم داد. در اینجا این سوال به میان می آید که کلماتی که خداوند برای توبه به آدم (ع) و حوا القاء نمود چه بود؛ با توجه به آیه ۲۳ سوره اعراف می توان یکی از موارد را این آیه دانست «قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آن دو آدم و حوا) (علیها السلام) [گفتند: پروردگارا! ما به خویشتم ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، به یقین از زیانکاران خواهیم بود]. برخی نیز بر این باورند که آن کلمات چنین بوده اند: «سَلِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (علیهما السلام) لَا تَبْتَ عَلَيَّ قَتَابَ عَلَيْهِ»؛ (او خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهما السلام) خواند و تقاضا کرد که مرا ببخش و خداوند توبه او را پذیرفت (۳۴))

در این میان تفسیرهای گوناگونی در باره واژه کلمه بیان گردیده است که هیچکدام منافاتی با یکدیگر نداشته و ممکن است مراد از تعلیم کلمات به آدم شامل تمام نمونه ها باشد (۳۵).

در باب مسئله نجات آدم (ع) و به اصطلاح پذیرش توبه او یکی از آموزه های عمده کتاب مقدس است. که همواره مورد توجه متفکران کلامی و فلسفی مسیحی بوده است. به این نکته اشاره

می شود و اولین پیامبر است بر اساس ادله عصمت انبیاء آنان آنچه را که موجب عذاب و عقوبت می شود را انجام نمی دهند خداوند آنان را از بهشت اخراج کرد زیرا این حکمت الهی بود که اینان هبوط به زمین داشته باشند و تکلیف و مشقت بر عهده آنان باشد تا در نهایت به سعادت برسند (۲۹).

اما در کتاب انجیل با توجه به مباحث مطرح در دین مسیحیت در باره گناه حضرت آدم (ع) و دلیل هبوط او به زمین چنین می گویند: «شیطان به صورت مار داخل باغ شد و حوا را راضی کرد که از میوه آن درخت بخورد سپس حوا آن را به آدم داد و آدم هم از آن میوه خورد این عمل والدین اولیه ما تنها یک اشتباه معمولی و یا خطایی از راه بی فکری نبود بلکه عصیان عمدی بر ضد خالق بود به عبارت دیگر آنها می خواستند خدا شوند و مایل نبودند مطیع اراده خدا گردند بلکه می خواستند امیال خود را انجام دهند نتیجه چه شد خدا آنها را به شدت سرزنش نمود و از باغ بیرون راند تا در جهان پر از درد و رنج زندگی کنند» (۳۰).

این تفسیر از گناه توسط دکتر ویلیام میلر در مورد آیات انجیل به عنوان نظر انجیل درباره گناه آدم (ع) و حوا است که خروج آنان را به خاطر عصیان و گناه بزرگی که آدم (ع) و حوا مرتکب شده اند می داند، این عصیان و گناه بزرگ را به دلیل مخالفت و ضدیت با مقام الهی و تسلیم بر هوای نفس و در پی کسب مقام خدایی بودن می داند. در مورد نظریه کسب مقام خدایی توسط آدم (ع) آگوستین معتقد است که چون انسان به صورت خدا آفریده شده است و خداوند انسان را به شکل خویش آفریده بود. به دین ترتیب ذاتا استعدادی درونی برای ارتباط با خداوند دارد. به باور آگوستین، آدم هویتی خداگونه داشت، اما با گناهش تغییر هویت داد و از مقام اولیه اش تنزل کرد، و در جایگاهی قرار گرفت که پایین تر از جایگاه اولیه اش بود (۳۱). آدم به دلیل هبوط خود و از دست دادن توانایی ها و استعداد هایش مقداری از حس برتری او خنثی شد. اما با توجه به ذات طبیعی بشر به پیشرفت، همواره می کوشد تا با به کارگیری امورات دیگری این خلاء و کمبود را جبران کند. در فرایند پیشرفت انسان می خواهد که جانشین خداوند در زمین شود و در پی آن با وجود تلاش ها و کوشش های فراوان همواره حس نارضایتی در او وجود دارد که این مسئله هم نوعی حس مشترک میان تمام بشریت است (۳۲). از این رو بشر به رغم «آزادی اراده» در بند ارادهای است که گناه آن را به فساد کشانده است و او را متمایل به شر و گریزان از خداوند کرده است. فقط اراده خدا این تمایل به گناه را خنثی می کند. فیض، همان موهبتی است که خداوند اعطا کرده است و موهبت الهی توسط خود بشر و شایستگی های او حاصل نمی شود، بلکه چیزی است که خداوند برای بشر برگزیده است (۳۳).

نتیجه گیری

با توجه به آیات قرآن کریم ضرورت و اهمیت توبه در زندگی انسان از دیر باز تا امروز دیده می شود. توبه فرایندی است که شامل بازگشت، همراه با پشیمانی و طلب مغفرت از خداوند و تلاش در راستای جبران خطاهای گذشته می باشد. از دیدگاه قرآن و کتاب

مقدس پیرامون مسئله توبه حضرت آدم (ع) چنین استنباط می شود که آدم و حوا با نافرمانی از دستورات خداوند از میوه درخت ممنوعه خوردند و با ارتکاب این گناه به نفس خود ظلم کردند و از بهشت به زمین هبوط کردند. در کتاب مقدس درباره گناه نخستین مطالبی مطرح گردیده که با توجه به آیات قرآن کریم نظریه گناه نخستین رد می شود زیرا خداوند گناه یک انسان را به پای دیگری نمی گذارد و این عمل عقلا و شرعا پذیرفتنی نیست. در این بین درباره توبه حضرت آدم (ع) هیچ موضوعی مطرح نشده است. در حالی که پیرامون مسئله توبه در قرآن کریم، آن دو به درگاه خداوند توبه کردند و توبه آنان با توجه به مسئله رحمت و مغفرت خداوند پذیرفته شد. ظلم آن دو به نفس خویش بود و نتیجه انجام خطا و گناه مطرح شده آن دو، گرفتاری و سختی زندگی در زمین بود. با توجه به آیات قرآن کریم عمل توبه به نحوی کفاره گناهان انسان محسوب می شود. چنان که خداوند در آیه ۳۹ سوره مائده می فرماید: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». «هرکس پس از ظلم و گناهی که انجام داده، توبه کند و خود را اصلاح کند، خداوند توبه او را می پذیرد، به درستی که خداوند بخشنده مهربان است». اینجاست که درگاه توبه می تواند نجات بخش انسان ها در دنیا و آخرت باشد. و مغفرت و رحمت خداوند شامل حال توبه کنندگان خواهد شد.

References

The Holy Quran.

1. Ibn Manzoor, Muhammad, Language of the Arabs, Beirut: Dar Sadr, 1374 AH, following Tub
2. The Bible, the book of Genesis, the story of Adam and Eve. Chapter 3
3. Khoshdel, Mohammad Reza, Adam from Behesht to Behesht, Harir Publishing, 2002.
4. The Bible, the book of Genesis, the story of Adam and Eve.
5. St. Augustine (2003). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan, p. 389
6. St. Augustine (2003). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan, p. 385
7. St. Augustine (2003). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan.
8. St. Augustine (2003). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan.

Society of Teachers of the Seminary of Qom Pp.346

21. Henry Thyssen, Christian Theology, translation. Mikaelian, Tehran, Eternal Life, p. 193.

22. Makarem Shirazi, Sample Interpretation, 2001, Vol. 1, Islamic Library Publications Office, pp. 1995-1996

23. Siouti, Jalal al-Din, Al-Durr al-Manthur in Tafsir al-Mathur, Library of Ayatollah Marashi Najafi, Qom, 1404 AH, vol. 1, p. 60,

24. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nomoneh, 2001, Vol.

25. Ulpers, Chapter 1, verses 18-19

26. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, Vocabulary of Quranic Words, 2010, Sanandaj Publishing: Aras, p. 832.

27. Montazeri, Hossein Ali, Lessons from Nahj al-Balaghah, 2004, Vol. 1, Sarai Publications, p. 397

28. Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tibyan, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, vol. 6, p. 323

29. Adapted from the book Expression of Sciences and General Issues of the Quran, written by Ayatollah Khoei, translated by Hashemzadeh, pp. 80 and 81.

30. McGrath, Alistair (2005). Christian Theology, translated by Behrouz Haddadi, Qom: Center for the Study and Research of Religions and Beliefs, p. 64.

31. McGrath, Alistair (2005). Christian Theology, translated by Behrouz Haddadi, Qom: Center for the Study and Research of Religions and Religions, pp. 373-374

32. McGrath, Alistair (2005). Christian Theology, translated by Behrouz Haddadi, Qom: Center for the Study and Research of Religions and Religions 63-64

33. McGrath, Alistair (2005). Christian Theology, translated by Behrouz Haddadi, Qom: Center for the Study and Research of Religions and Beliefs.

9. St. Augustine (2003). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan. Pp. 202-203

10. Saint Augustine (2003). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan, p. 372

11. saint Augustine (1992). Great Books of the Western World, The Confessions, The City of God, Vol. 16, Mortimer J. Adler (ed.), Chicago: Encyclopaedia Britannica.416

12. Khoshdel Rouhani, Maryam, (2013) A comparative study of the doctrine of original sin from the point of view of Islam and Christianity based on the views of Allameh Tabatabai and Augustine.

13. Qaraati, Mohsen, Tafsir Noor:, Cultural Center for Lessons from the Quran, 2004, 11th edition

14. Ilkhani, Mohammad (1386). History of Philosophy in the Middle Ages and Renaissance, Tehran: Samat, p. 19

15. St. Augustine (1382). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan. Pp. 202-203

16. saint Augustine (1992). Great Books of the Western World, The Confessions, The City of God, Vol. 16, Mortimer J. Adler (ed.), Chicago: Encyclopaedia Britannica.419

17. St. Augustine (1382). Confessions, translated by Afsaneh Nejati, Tehran: Sokhan Pp119

18. McGrath, Alistair (2003). An Introduction to the Thought of the Religious Reform Movement, translated by Behrouz Haddadi, Qom: Center for the Study and Research of Religions and Beliefs.

19. Qaraati, Mohsen:, Tafsir Noor: Cultural Center for Lessons from the Quran, 2004, 11th edition

20. Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein (1374). Tafsir al-Mizan, translated by Seyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, vol. 13, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the